

نکته ای در تشبیه عکس

دکتر حمید طامری
عضو هیات علمی دانشگاه
رازی

مقدمه و طرح مسأله

تصویر یا عنصر خیال محصول دخل و تصرف شاعر در جهان واقع است و محملی است برای انتقال تجربه های شاعرانه، اندیشه های دقیق و ارزنده و عاطفه های لطیف و والا. یک تصویر از درجه زیبایی و بلاغتی که دارد در شعر یک شاعر تکرار می شود و شاعران دیگر آن را در شعر خود به کار می گیرند تا حدی که در فرهنگ و سنت شعری ثبت می شود و نوعی التزام در به کار بردن آن ایجاد می شود. این التزام و کاربرد در مویف های شعر نیز مشهود است. به عنوان مثال شعر غنایی فارسی بدون وصف می و ساقی و بزم میخواری و میکده، شعر غنایی نیست و شاعر برای آفرینش این نوع ادبی ناگزیر از مضامین یاد شده است.

عنصر خیالی که در شعر یک شاعر و از راه تقلید در دو اوین دیگر شاعران راه می یابد، تکرار باعث آشنایی خواننده با آن عنصر خیال می گردد و ذوق او با کمترین کوشش و چالش فکری، ایده ی نهفته در آن صورت خیال را در می یابد. سرعت دریافت، سبب کاهش لذت ادبی موجود در این فرایند می شود؛ بدین جهت شاعر برای حفظ جوهر هنری عنصر خیال، به نوکردن آن اقدام می نماید. تشبیهات عکس، تفضیل، مشروط و گاه تسویه و جمع نشان از این تغییر زاویه دید و نوگویی دارد.

تشبیه یکی از گسترده ترین عناصر خیال است که آن را بر اساس طرفین، وجه شبه، صورت یا شکل و... به انواع و اقسام متعدد و متنوع تقسیم می کنند. تشبیه از لحاظ شکل به عکس، تفضیل، جمع، تسویه، مشروط، مضمر و... تقسیم می شود. در تعریف، تقسیم و تحلیل تشبیه از منظر فرم یا شکل، اکثراً به چگونگی نظم، و ترتیب قرار گرفتن طرفین در ساخت سخن، کالی نیست، زیرا به عناصر

دیگری از تشبیه نیز در تعدادی از تشبیهات فرمی باید توجه کرد. عدم عنایت به وجه شبه سبب می گردد، در تشخیص تشبیهاتی چون عکس، تسویه و جمع به خطا رویم، چون که صرف جابه جایی طرفین، افاده ی غرض نمی کند. زیرا غرض از تشبیهی چون عکس نو کردن و ایجاد اغراق و مبالغه است، و اغراق وقتی افاده و اراده می شود که از همان وجه و قصدی که دو چیز را پیش از عکس کردن و تغییر جا و جایگاه دوسوی تشبیه به یکدیگر مانند کرده است، دوباره تشبیه کند، اما این بار با ادعای برتری مشبه بر مشبه به و وضوح و قوت وجه شبه در آن. حال اگر جای طرفین تشبیه عوض شود و زاویه نگاه و دلیل تشبیه تغییر کند، نه نوگویی و نو سازی در تصویر صورت می پذیرد و نه اغراقی پدید می آید.

تغییر و تفاوت وجه شبه در تشبیه جمع و تسویه نیز ماهیت و اصالت آن را مختل می سازد و افاده ی غرض نمی کند و نمی شود چنین تشبیهی را تشبیه جمع یا تسویه دانست. لذا در این مقاله درباره ی مسایل زیر بحث خواهد شد:

۱- صرف جابه جایی مشبه و مشبه در ساخت و ایجاد تشبیه عکس کافی نیست؛ این جابه جایی اگر تشبیهی نیز بسازد، آن تشبیه، قلب یا عکس نیست بلکه نوعی صنعت بدیعی قلب یا عکس خواهد بود.

۲- شرط مهم ایجاد تشبیه عکس، جمع و تسویه آن است که وجه شبه در تشبیه عکس و پیش از عکس یکی باشد و ثبات داشته باشد؛ بدین تفصیل که اگر در ریختی از بیت چشم به نرگس مانند می شود و در ریختش دیگر بیت شاعر اقدام به قلب می کند و «مشبهه را» مشبه به «را» مشبه قرار می دهد، باید در هر دو تشبیه وجه شبه خماری و مستی باشد و گرنه تشبیه ایجاد شده، معکوس یا مقلوب نخواهد بود. در تشبیه جمع و تسویه نیز باید وجه شبه در تشبیه یک چیز به چند چیز - اگر وجه شبه مفرد یا متعدد است - یکسان و ثابت بین یک مشبه با مشبه به های مختلف باشد، در غیر این صورت تشبیه نمی تواند بدرستی افاده ی مقصود کند.

۳- یکسانی و ثبات وجه شبه در تشبیهات عکس، جمع و تسویه یک اصل بسیار مهم است.

۴- تشبیه عکس چند نوع است که یکی از انواع آن در قالب صنعت بدیعی عکس یا قلب ارایه می شود و نوع دیگری از آن در مجموعه ی انواع شکلی یا فرمی تشبیه قرار نمی گیرد. این تشبیه عکس بدون آشنایی با تاریخ و تطور تشبیه قابل تجزیه و تحلیل نیست.

۵- بسیاری از تشبیهات عکس و تفضیل بر یک تشبیه مضمربا پنهان در ژرف ساخت بیت استوارند و بدون عنایت به آن تشبیه پنهان قابل درک و دریافت و توجیه نیستند.

تشبیه عکس

در تشبیه عکس از دو نکته ی مهم بحث خواهیم کرد: اول این که در ساخت تشبیه عکس و تعریف آن، علاوه بر شکل و صورت به وجه شبه نیز باید عنایت ویژه داشت. دوم این که در تشبیه عکس باید به پیشینه و تطور تشبیه نیز توجه کرد؛ زیرا تشبیه عکس محدود به صورت و هیات ظاهری تشبیه نمی گردد؛ بلکه نوع

دیگری از تشبیه عکس وجود دارد که دریافت عکس یا قلب شده ی آن در گروهی بررسی تاریخ و تطور تشبیه است.

عکس کردن تشبیه یکی از شگردهای نو کردن تشبیه و مانع ابتذال آن است. این نوع از انواع شکلی و صوری تشبیه است. شمس قیس رازی در تعریف آن می‌گوید: «... و بهترین تشبیهات آن بودگی معکوس توان کرد، یعنی مشبه و مشبه‌به را به یکدیگر تشبیه توان کرد چنان که شب را به زلف و زلف را به شب و نعل را به هلال و هلال را به نعل» (المعجم / ص ۳۴۵)

در ادامه می‌گوید: تشبیه عکس «آن است که چیزی را به چیزی تشبیه کند، بعد از آن مشبه را به وجهی اول تشبیه کند چنان که عنصری گفته است:

ز سم ستوران و گرد سپاه زمین ماه روی و زمین روی ماه

روی زمین را از نشان نعل ستوران به ماه تشبیه کرده است. باز روی ماه را از کثرت غبار به زمین تشبیه کرده» (المعجم / ص ۳۵۲).

در تعبیر شمس قیس به وجه شبه که مهمترین رکن تشبیه است، هیچ عنایتی وجود ندارد. در قسمت اول تعریف و شاهدی که برای آن ذکر می‌کند، وجه شبه ثابت است و آن، شکل ظاهر و دایره وار نعل و هلال است و سیاهی و تیرگی در زلف و شب. اما در قسمت دوم تعریف، وجه شبه دو می‌گردد و تغییر می‌کند؛ بدین صورت که وجه یادلیل تشبیه در یکی نشان گردی نعل ستور بر روی زمین است و در عکس، تیرگی از کثرت غبار است که روی ماه را می‌پوشاند. یعنی دو وجه شبه متفاوت.

صاحب ترجمان البلاغه شرط راستی و نیکویی تشبیه را چنین بیان می‌دارد: «و راست‌ترین و نیکوترین آن است کی چون باشکونه کنیش، تپاه نگرود و نقصان نپذیرد. و هر یکی از مانند کردگان به جای یکدیگر بیستند به صورت و به معنی» (ترجمان البلاغه / ص ۴۴).

در تعریف فوق، عکس کردن تشبیه حکایت از نیکویی و راستی تشبیه دارد و مهتر قسمت پایانی تعریف است و آن «به صورت و به معنی» است. معنی همان وجه شبه یا حقیقت و دلیل تشبیه است.

غرض از عکس کردن تشبیه علاوه بر نو کردن آن، ایجاد اغراق و مبالغه در بیان و تصویر شعری است. عبدالقاهر جرجانی در این باره می‌گوید: «بدون قصد مبالغه در اثبات صفتی برای یک چیز نمی‌توان تشبیه را معکوس کرد یا محل طرفین تشبیه را تغییر داد، اما اگر بخواهی دو چیز را از لحاظ مطلق صورت و رنگ در کنار هم بیاوری، دیگر عکس و قلب دو طرف جایز نیست» (اسرار البلاغه / ص ۱۶۶)

دکتر شفیع کدکنی در بحث تشبیه معکوس، شرط تأثیر این صورت و صورت‌های دیگری چون مشروط را، اغراق آمیز بودن آن‌ها می‌داند (رک: صور خیال در شعر فارسی / ص ۷۰-۷۲)

حال باید دید اغراق و مبالغه که یکی از اغراض مهم عکس کردن تشبیه است، چگونه پدید می‌آید. جوهر مبالغه در وحدت و ثبات وجه شبه در تشبیه پیش از عکس (قبل از تغییر جایگاه دوسوی تشبیه) و عکس (بعد از تغییر جا و جایگاه مشبه و مشبه به) است و همچنین بی‌اطلاعی از پیشینه و تاریخ تشبیه، افاده ی

اغراق برای مخاطب نمی‌کند. وحدت و ثبات وجه شبه در ایجاد اغراق تشبیه عکس فرمی - که وجود طرفین تشبیه پیش از عکس، مخاطب را از مراجعه به تاریخ و تحول تشبیه بی‌نیاز می‌کند - نقش اساسی دارد. در ایجاد اغراق با عکس نوع دوم، علاوه بر وحدت و ثبات وجه شبه جهت دریافت اغراق به وجود تاریخ و نشان دادن چگونگی تحول تشبیه نیازمندیم.

با تغییر وجه شبه، دیگر اغراقی پدید نخواهد آمد، چون وجه شبه دلیل تشبیه چیزی به چیزی است. ادلیلی که ادعایی بودنش مدار تحلیل زیبایی شناختی تشبیه است. این دلیل هرچه ادعایی تر باشد، شاعرانه تر است و بر ارزش تشبیه خواهد افزود. وجه شبه معنایی است که گوینده قصد نموده است طرفین تشبیه را در آن مشارکت دهد. وجه شبه هر معنایی نیست بلکه معنای خاصی است که متکلم قصد نموده طرفین در آن مشارکت داشته باشند. این اشتراک گاه تحقیقی است، یعنی در خارج محقق و ثابت است و گاهی تخیلی است، یعنی در هر دو طرف یا در یکی از دو طرف، تاویلی و وهمی است نه واقعی. (شرح مختصر المعانی/ص ۸۸) لذا با تغییر وجه شبه زاویه دید و نگاه شاعر در تشبیه آن دو چیز، متفاوت می‌شود و نه ابداعی حس می‌شود و نه اغراقی.

استاد علامه همایی در تعریفی که از تشبیه عکس می‌دهد، ثبات و وحدت وجه شبه را لازم نمی‌داند و صرف جابه‌جایی و عکس کردن یا قلب مشبه و مشبه به را برای ایجاد این نوع تشبیه کافی می‌داند و می‌گوید تشبیه عکس «آن است که دو چیز را به یکدیگر، هر کدام را به وجهی تشبیه کننده (فنون بلاغت و صناعات ادبی/ص ۲۳۶) در تعریف فوق با قید «وجهی» وجه شبه می‌تواند در تشبیه عکس یا قلب با تشبیه پیش از آن (عکس) متفاوت باشد. اما چنان که گفته شد تغییر وجه شبه در تشبیه عکس و متفاوت بودن آن در پیش از عکس کردن تشبیه، منتج به اغراق که هدف تشبیه عکس است، نمی‌شود.

تعریف فوق از استاد همایی، تعریف تنها نوعی از تشبیه عکس است. همو در تنبیه ۲ از بحث تشبیه عکس می‌گوید: «تشبیه معکوس به معنی دیگریز گفته می‌شود. به این قرار که دو چیز را به یکدیگر تشبیه کنند هر کدام از جهتی. به عبارت دیگر چیزی را به چیزی تشبیه کنند و بعد از آن مشبه به را مشبه قرار بدهند. عنصری گویند:

ز سم ستوران و گرد سپاه زمین ماه روی و زمین روی ماه

(معانی و بیان/ص ۱۵۹)

دقت در تعریف و شاهد فوق نشان می‌دهد که تشبیه مذکور نوعی صنعت بدیعی قلب یا عکس است نه تشبیه عکس چرا که غرض از تشبیه عکس اغراق حاصل از آن است و این اغراق تنها در سایه ی ثبات و وحدت وجه شبه - حتی اگر جای مشبه و مشبه به عوض شود - ایجاد می‌شود و حیرت آفرین می‌گردد. علامه همایی در دنباله ی بحث خود به ثبات و وحدت وجه شبه اشارتی دارد: «تشبیه مقلوب یا معکوس آن است که مشبه را مشبه به قرار دهند. ادعای این که وجه شبه در آن ظاهر تر و قوی تر است. توضیح آن که در تشبیهات متعارف آن چه را که از حیث وجه شبه مشهورتر و کاملتر باشد، مشبه به قرار دهند به منظور این که مشبه را توضیح داده باشند و گاهی بر عکس و برخلاف عادت و رسم آن چه را که وجه شبه در آن کاملتر و

واضحتر است، مشبه و امر ناقص غیر واضح را مشبه به قرار دهند. به این منظور که در وصف مشبه به مبالغه کرده، امر ناقص و غیر معلوم را کامل و واضح نشان داده باشند. (معانی و بیان/ص ۱۵۸)

تشبیه عکس خود دو نوع است: نوع اول نزد عموم آشنایان و پژوهندگان ادب شناخته شده است و آن بدین صورت است که ابتدا گوینده در قسمتی از بیت یا عبارت چیزی را به چیزی تشبیه می‌کنند (مثلاً روی زیبارا به ماه با وجه شبه زیبایی تشبیه می‌کنند). سپس با ادعای ترجیح مشبه (روی زیبا) بر مشبه به (ماه) در قسمت دیگر سخن جای مشبه و مشبه به را عوض می‌کند (ماه را به روی زیبا با وجه شبه زیبایی مانند می‌کند). نوع دوم آن است که گوینده مشبه را بر مشبه به ترجیح دهد اما نه در ساخت یک بیت یا عبارت؛ این جاست که برای درک ترجیح و جابه‌جایی طرفین نیازمند بررسی تاریخ، تحول و تطور تشبیه هستیم و آن بدین صورت است که گوینده ای روی زیبای یار را به ماه تشبیه می‌کند و این تشبیه به دلیل نبودن در دوره‌ی خود مورد تقلید و استفاده‌ی دیگر شاعران قرار می‌گیرد و این استفاده مکرر سبب ابتذال و خنکی تصویر می‌گردد و شاعر یا شاعران ادوار بعد به نوکردن آن اقدام می‌کنند و جای مشبه و مشبه به را به ادعای ترجیح مشبه بر مشبه به عوض می‌کنند. چون در ساختار این نوع تشبیه صورت پیش از عکس وجود ندارد نیاز به بررسی پیشینه و تاریخ تشبیه پیدا می‌شود. لذا بررسی و مطالعه‌ی پیشینه و تاریخ تطور تشبیه نیز از وجوهی است که در تعریف و تشخیص و تحلیل برخی از تشبیهات بخصوص تشبیه عکس باید بدان پرداخت. بر این مثال اگر تشبیه بیت زیر را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم:

زسم ستوران و گرد سپاه زمین ماه روی و زمین روی ماه

در بیت دو مشبه داریم: ماه و زمین. و دو مشبه به داریم: ماه و زمین. و دو وجه شبه داریم: تیرگی از غبار و شکل دایره واری نعل و ماه. در مصراع دوم «زمین ماه روی» تشبیه اول یا تشبیه پیش از عکس را داریم اما در قسمت دوم مصراع دوم «زمین روی ماه» تشبیه دوم یا عکس را داریم. تغییر وجه شبه در تشبیه دوم از اقدام شاعر به عکس نقض غرض می‌کند. زیرا نه تشبیه اولی وجود دارد (پیش از عکس) و نه تشبیه دومی (عکس). زیرا هر کدام از تشبیهات فوق می‌توانند تشبیه اول باشند ولی هیچ‌یک نمی‌توانند تشبیه عکس باشند، چرا که وجه شبه واحد و ثابتی ندارند. اما وقتی شاعر می‌گوید:

از آن که نرگس نختی به چشم تو ماند دلم به نرگس بر شیفته شده است و بجا

(فرخی)

اصالت و هویت و اغراق آفرینی و عکس بودن تشبیه بیت فوق در مقایسه‌ی آن با بیت زیر و ابیاتی شبیه به آن اثبات می‌شود و این همان چیزی است که از آن به تاریخ و تطور تشبیه تعبیر کرده ایم:

گفتم زمن چه بردند آن نرگس دو چشم گفتا یکی قرار تو برد و یکی و من

(فرخی)

بر اساس اصل قوت و وضوح وجه شبه در مشبه به، نرگس مشبه به است، همان گونه که در بیت دوم فرخی می‌بینیم. و چشم مشبه است. فرخی در بیت نخستین با تغییر مشبه و مشبه به، تشبیه را عکس کرده است یعنی

برخلاف معمول نرگس را مشبه و چشم را مشبه به قرار داده است. وجه شبه نیز در بیت دوم (پیش از عکس) و بیت اول (عکس) واحد و ثابت است و رمز اغراق نیز همین است لذا اگر شاعر در قسمتی از بیت دو چیز را به هم مانند کند و در قسمت دیگر با جابه جایی مشبه و مشبه به تشبیهی بسازد شرط عکس بودن تشبیه دوم آن است که وجه شبه در هر دو تشبیه یکسان و واحد باشد.

در سنت شعری و تاریخ تشبیه روی زیبای معشوق به ماه مانند می شود از آن جهت که زیبایی (وجه شبه) در ماه اقوی و اجلی است. این ادعا و تشبیه تکرار می شود و شاعر در صدد نو کردن آن بر می آید تا از سردی تصویر جلوگیری کند و بر تأثیر و بلاغت آن بیفزاید، لذا جای مشبه و مشبه به را عوض می کند و یا مشبه را بر مشبه به ترجیح و تفضیل می دهد؛ درست از همان جهت، معنا و منظری که در سنت شعری و پیش از عکس کردن تشبیه به آن نگریسته است؛ یعنی با وجه شبه ثابت و واحد. به تعبیری دیگر اگر مخاطب نداند که علت ترجیح و تفضیل مشبه بر مشبه به از همان منظر قبلی است، تعجبی در او پدید نمی آید و اغراق و مبالغه ای احساس نمی کند. اغراق و مبالغه ی بیت زیر از این روست که در چهره ماه نشانی از محاسن و در قامت سرو نصیبی از تانی ممدوح است:

فِي طَلْعِ الْبَدْرِ شَيْءٌ مِنْ مَحَاسِنِهَا وَ يَلْقُضِيْبِ نَصِيْبٍ مِنْ تَائِيْهَا

(شعر به نقل از صور خیال در شعر فارسی / ص ۷۰)

ارزش تشبیه معکوس در ایجاد و انتقال اغراق بیانی و شاعرانه ی آن است. عکس کردن تشبیه، خروج از سنت شعری و هنجار بلاغی است. تشبیهات زیر از انواع تشبیه معکوس می باشند اما از نوع دوم آن و از این جاست که نیازه بررسی تاریخ تشبیه جهت دریافت تحول آن پیش می آید. زیرا پیچیدن در افعی، سوختن و بستن در آتش، جستن و سرعت در اندیشه و بلندی در خورشید محسوس، اقوی و اجلی از کمند، سنان، سمنند و همت است و شاعر برای نو کردن تشبیه و آفرینش اغراق، برخلاف سنت شعری اقدام به جابه جایی طرفین تشبیه نموده است و چنین سروده:

پیچیدن افعی به کمندت ماند	آتش به سنان دیو بندت ماند
اندیشه به جستن سمنندت ماند	خورشید به همت بلندت ماند

(به نقل از معانی و بیان علامه همایی / ص ۱۵۹)

ازرقی در دو بیت فوق جای هر جهت مشبه و مشبه به را عوض کرده است. درست از همان منظر و معنا و وجه شبهی که پیش از ترنم عکس مورد نظر او و شاعران دیگر بوده است و مبالغه ی بیانی آن نیز در سایه همین وحدت و ثبات وجه شبه شکل گرفته است.

ابو جعفر محمد بن وهیب حمیری نیز با عکس کردن تشبیه صبح به روی، نوآوری و اغراق زیبایی ارائه داشته است، آن جا که می گوید:

و بدأ الصباح كان غره وجه الخليفة حين يمتدح

(به نقل از معانی و بیان دکتر تجلیل / ص ۵۶)

نمایانی صبح رادرسپیدی به روی خلیفه آن گاه که او را می ستایند، تشبیه کرده است و این اوج اغراق است.

جوهر و حقیقت تشبیه عکس تنها در جابه جایی طرفین تشبیه شکل نمی گیرد؛ بسیاری از جابه جایی ها تشبیه عکس ایجاد نمی کند، بلکه تشبیهی می سازد که فقط صورت عکس دارد زیرا هنگام عکس کردن و تغییر جای شبه و مشبه، وجه شبه نیز تغییر می کند، بدون این که اغراقی هنری و بیانی نیز در پی داشته باشد، مثلاً در بیت:

ز سم ستوران و گرد مپاه زمین ماه روی و زمین روی ماه

(عنصری به نقل از معانی و بیان علامه همایی / ص ۱۵۹)

عکسی صورت نگرفته است زیرا وجه شبه دو معنای متفاوت است. همچنین در بیت زیر از ازرقی:

با حلم او زمین گران چون هوا سبک با طبع او هوای سبک چون زمین گران

(به نقل از معانی و بیان علامه همایی / ص ۱۵۹)

تشبیه عکسی وجود ندارد زیرا وجه شبه در مصرع اول، سبکی، و در دوم، سنگینی است.

همچنین در تشبیه:

از سم مرکبان شده مانند غار کوه وز شخص کشتگان شده مانند کوه غار

(رشید و طواط به نقل از معنی و بیان علامه همایی / ص ۱۵۹)

جز صورت جابه جایی، نه تشبیه عکسی پدید آمده و نه اغراقی. زیرا وجه شبه در مصرع اول گودی و در مصرع دوم برآمدگی است.

همچنین در بیتی که از حافظ نقل می شود، با تشبیه عکس رویه رو نیستیم زیرا وجه شبه بلندی نیست، بلکه خرامیدن و رفتار است. حافظ به تقلید از بیت زیر از سعدی

در گلستانی کان گلبن خندان بنشت سرو آزاد به یک پای فرامت پرخواست

(غزلیات سعدی / ص ۷۶)

می گویند: پیش رفتار تو پا برنگرفت از خجالت سرو سرکش که به ناز از قد و قامت پرخواست

(دیوان / ص ۱۷)

حافظ با تشخیصی زیبا تفضیل یار را بر سرو بیان می کند اما نه در بلندی قامت و از منظر سنت شعری، بلکه در خرامیدن و حرکت کردن و این ترجیح نیز، ترجیحی است معقول. زیرا سرو نمی تواند بخرامد. در بیت با حسن تعلیلی ترجیح را ادبی می کند زیرا سرو از شرم آن که مبادا رفتار و حرکت او

درمقایسه با رفتار و حرکت موزون یار به سخره گرفته شود، ساکت و ساکن مانده است. این تشبیه حافظ با وجه شبه و معنایی که آورده، تشبیهی بکراست اما عکس یا قلب نیست.

لزوم و نقش بررسی پیشینه و تحول تشبیه در تشبیه عکس

اینک به نقد و بررسی چند تشبیه در تاریخ تشبیه و تطور آن می پردازیم تا با مقایسه ی طرفین تشبیه در اشعار شعری پیشین (سنت شعری) دریافت تشبیه عکس نوع دوم ههلتر و آسانتر و استدلال نگارنده در اثبات آن روشن و مستند گردد. در این بخش از سخن نیز تأکید بر این است که هر گونه جا به جایی مشبه و مشبه به تشبیه عکس نمی سازد بلکه صنعت بدیعی به نام: «قلب» می آفریند. اما اگر در عین جابه جایی وجه شبه همان وجه شبهی باشد که پیش از عکس مورد ادعای شاعر یا نویسنده بوده، آن تشبیه عکس خواهد بود. با این استدلال که مهم ترین شرط ایجاد و شکل گیری تشبیه عکس ثبات و وحدت وجه شبه در پیش از عکس و عکس است، «اگر صرف جابه جایی (صنعت قلب) نمی تواند ایجاد تشبیه عکس کند. دیگر این که بین تشبیه عکس و تفضیل رابطه است و تفضیل می تواند زمینه ی نو سازی و پیدایش تشبیه عکس باشد. تأمل در ژرف ساخت و معنای شاهد مثال ما را در درک تفضیل و عکس کمک می کند.

تحقیق و تفحص در دفاتر شعر فارسی نشان می دهد که قامت بلند یار به سرو و روی زیبای او به گل و سمن و چشمان مست و شیوه دارش به نرگس مانند شده است و این تشبیهات نه تنها در شعر یک شاعر بسامد قابل توجه دارد، بلکه با شاعران دیگر و با اعصار بعد تکرار می شود. این افزونی تکرار گاه شاعر را وامی دارد که در اطوار شعر خود جهت نو کردن تشبیه و جلوگیری از ابتدال تصویر، فضل و شرف مشبه را بر مشبه به ادعا کند و در نهایت وجه شبهی را که ادعای تصریح و قوت آن را در مشبه به داشت، به عکس به مشبه منتقل کند و تشبیه عکس بسازد و حتی برای افزونی اشراق این شباهت را انکاری یا اظهار پشیمانی از تشبیه می کند. این انتقال با زمینه سازی و اعتدال ابتدایی صورت می گیرد و در نهایت به گستاخی و بی باکی در تشبیه می رسد. دقت در ابیات زیر اهمیت بررسی پیشینه و تحول تشبیه در دریافت بهتر عکس (عکس نوع دوم) و تفضیل، مدد می دهد و همچنین تأکید بر وجود تشبیه عکس نوع دوم دارد که با عکس نوع اول که از اقسام صنعت قلب است و آن را بهتر است تشبیه عکس شکلی و فرمی بخوانیم، متفاوت است. در این بخش نیز تکرار این نکته را ضروری می دانم که دریافت و پذیرش تفضیل و عکس بودن شواهدی که در زیر خواهد آمد بدون توجه به وجود تشبیه مضمری که در باطن و ژرف ساخت اغلب آن ها وجود دارد، دشوار است.

عطار در غزلی می سراید:

آن نه روی است، ماه دو هفته است و آن نه قدم است سرو پر رفته است

(دیوان / ص ۲۰)

سرو بودی کز چمن برخاستی ماه بودی تو ز گردون آمدی

(دیوان / ص ۶۲۵)

و حافظ در این معنا چنین می‌سراید:

دلم بجوی که گدت همچو سرو دلجوی است سخن بگو که کلامت لطیف و موزون است
(دیوان / غزل ۵۴)

لب تو خضر و دهان تو آب حیوان است قدم تو سرو میان موی و بره هیأت حاج
(دیوان / غزل ۹۷)

حال اگر در اشعار عطار جست و جو کنیم، از سر نو گویی و به اعجاب انداختن مخاطب، تفضیل قامت یار را بر قامت سرو این گونه می‌سراید:

قد تو به آزادی بر سرو چمن خندد خط تو به سر سبزی بر مشک ختن خندد
(دیوان / ص ۱۳۷)

یعنی قد تو پرتراز سرو و خط رسته بر روی تو سرمیزتراز مشک ختن است
سرو چون قد خرامان تو نیست لعل چون پسته خندان تو نیست
(دیوان / ص ۹۱)

یعنی قد تو بلندتر از سرو و دهان تو سختراز لعل است و با تشخیص زیاده تفضیل رخسار یار را بر ماه آسمان (باوجه زیبایی) و رفتار او را بر سروبوستان این می‌سراید:
ای سراسیمه مه از رخسار تو سرو سر در پیش از رفتار تو
(دیوان / ص ۵۵۱)

در بیتی دیگر ضمن تشبیه عکس، شباهت بین سرو و قامت یار را نفی می‌کند:
نه هیچ فلک دید چو تو بدر منیری نه هیچ چمن یافت چو تو سرو روانی
(دیوان / ص ۶۵۶)

عبید زاکانی نیز سرو را عبید قامت یار و شرمگین از او می‌داند:
از شرم او چه جلوه کند در کنار جوی سرو از چمن برآید و گل رخ نهان کند
(کلیات عبید / ص ۱۶)

و حتی با ایهامی (درازی) لاف سرو را از درازی و بی خردی او می‌داند:
سرو اگر یا قد یارم لاف یاری می‌زند نیست هییی این حمایت از درازی می‌کند
(کلیات / ص ۵۳)

انوری نیز از تفضیل قامت یار بر سرو می‌سراید:
چون سرو سهی قامت و شایسته تر از سرو چون ماه دو هفته رخ و بایسته تر از ماه
(دیوان / ص ۳۲۱)

دریست زیر تشبیه تفضیل و مشروط به هم پیچیده شده اند

سرو است / او / اگر گوی زند سرو به میدان

ماه است / او / اگر چنگ زند ماه به خرگاه

(دیوان / ص ۳۲۱)

حافظ با تشخیصی زیبای گوید:

شود چون بند لرزان سرو آزاد

اگر بیند قد دلجوی فرخ

(دیوان / غزل ۹۹)

هر سرو که در چمن در آید

در خدمت قامت نگون باد

(دیوان / غزل ۱۰۷)

یکی دیگر از تشبیهات پربسامد شعرکهن فارسی تشبیه روی یار به سمن، گلبرگ، گل و ماه است باوجه شبه واحد یا متعدد و متفاوت؛ چنان که در ایات زیر مشاهده می شود، خاقانی رخسار را به گل تشبیه می کند و می گوید:

گل رخسار تو تا جیب بگشاد

خرد را خار در دامان می آید

(دیوان خاقانی / ص ۵۹۸)

انوری چهره ی زیبا را به ماه و سمن مانند می کند:

روی چون ماه آسمان داری

قد چون سرو بوستان داری

(دیوان انوری / ص ۴۸۵)

فرود ازو به دو منزل کنیزکی دیدم

بنفشه زلف و سمن عارضین و سیم قنن

(دیوان انوری / ص ۳۰۰)

در ایات زیر نیز به تشبیه روی زیبای به سمن، ماه، گل و گلبرگ بر می خوریم- البته این تشبیهات شکل و مفهوم کنایی هم دارند-:

بدو گفت گشتا سبای ماه روی

سمن خلد و سیمین بر و مشک بوی

(شاهنامه / ص ۷۶۸)

دوش تا یار عرضه کرد همی

بر من آن عارضی چو تازه سمن

(دیوان فرخی / ص ۳۰۷)

گفتم گل است یاسمن است آن رخ و قنن

گفتا یکی شگفته گل است و یکی سمن

(دیوان فرخی / ص ۳۰۷)

بر امید روی چون گلبرگ تو

می نهم جان را و دل را خارها

(دیوان سنایی / ص ۸۰۰)

شاعران برای نو کردن تشبیه و جلوگیری از سردی و کاهش تاثیر و بلاغت تصاویر یادشده، روی رابر ماه، سمن و گلبرگ ترجیح و تفضیل داده اند و مدعی صراحت و قوت وجه شبه در مشبه شده و به عکس کردن تشبیه و تفضیل مشبه بر مشبه به اقدام نموده اند. حافظ در بیت زیر سمن (مشبه به سنت شعری) را به رخساریار (مشبه سنت شعری) تشبیه می کند و از این تشبیه سمن را شرمنده می سازد:

ز شرم آن که به روی تو نسبتش کردم سمن به دست صبا خاک در دهان انداخت

(دیوان حافظ/ص ۱۳)

در ژرف ساخت بیت فوق سمن به روی معشوق مانند گشته است (در حالی که در تاریخ تشبیه - چنان که گذشت - روی زیبای معشوق به سمن مانند می شود) تا جایی که سمن از این ادعا شرمنده و پشیمان می شود. حافظ باین ادعا و تشبیه اغراقی اعجاب آور خلق کرده است.

انوری در تفضیل روی یار بر ماه می سراید:

چون سرو سهی قامت و شایسته تر از سرو چون ماه دو هفته رخ و پایسته تر از ماه

(دیوان انوری/ص ۳۲۱)

و در بیت زیر این تفضیل را در ساخت و شکل تشبیه مشروط بیان می دارد:

سرو است اگر گوی زند سرو به میدان ماه است اگر چنگ زند ماه به خرگاه

(دیوان انوری/ص ۳۲۱)

و عطار ماه را سراسیمه از رخسار یار توصیف می کند:

ای سراسیمه مه از رخسار تو سرو سر در پیش از رفتار تو

(دیوان عطار/ص ۵۵۱)

در ژرف ساخت بیت فوق، تشبیه نهان «روی یار چون ماه است» ادعا شده است و تفضیل چهره ی یار بر ماه. عبید زاکانی ماه را اسیر یار و شاه را گدای او می خواند:

زین سرو خوشخرامی گل پیش او غلامی مه پیش او اسیری شه پیش او گدایی

(کلیات عبید/ص ۱۰۲)

ماه چون روی تو دید گفت زهی نیکویی سرو که قد تو دید گفت زهی راستی

(کلیات عبید/ص ۹۴)

در قاب حیرت از رخ او در چمن سمن در خوی خجالت از تب او در قدح شراب

(کلیات/ص ۶۳)

خطاب سرو به قد تو خادم و عبید حدیث گل بر روی تو عبده و قده

(کلیات/ص ۹۲)

همانندی چشم و نرگس نیز در شعر فارسی حکایتی دارد. وجه شبه ادعایی بین این دو، شکل ظاهری، مستی، خماری و شیوه و عشوه گری است. مانند مثال های زیر:

بتا تا چشم چون نرگس گشادی
همه آفاق پر شور و شغب بود
(دیوان عطار / ص ۲۵۸)

گفتم ز من چه بردند آن نرگس دو چشم
گفتا یکی قرار ببرد و یکی و من
(دیوان فرخی / ص ۳۱۰)

تا نسوزی دل جو لاله پیرهن چون گل مدر
دیده چون نرگس نداری چهره چون نسرین مکن
(دیوان سنایی / ص ۵۱۰)

نرگس چشم و سرو قامت تو
زینت بوستان بخواهد برد
(دیوان انوری / ص ۴۱۷)

این یکه تازی نرگس در عرصه ی مستی و خماری نیز دوام نمی یابد و فضیلت چشم یار بر نرگس ادعا می گردد:

نرگس چو بدید چشم مستش
مخمور ز گلستان بر آمد
(دیوان عطار / ص ۲۲۵)

چه گفت نرگس ای ز چشم دلبر دور
هم دو چشمش ز چشم های من بگمار
(دیوان فرخی / ص ۱۵۸)

وعکس زیبا از فرخی:
از آن که نرگس لختی به چشم تو ماند
دلم به نرگس بر شیفته شده است و تباه
(دیوان فرخی / ص ۱۸۶)

از اجزای او لاله مرغزای
از آثار او نرگس بوستانی
(دیوان فرخی / ص ۳۶۴)

تحلیل زیبایی شناختی بیت فوق چنین است: در ژرف ساخت، بر اساس سنت تشبیه روی زیبا و گلگون یار چون لاله است و چشم خمارین و مست او چون نرگس. در رو ساخت برتری و تفضیل و اغراق اصحاب انگیز وجود دارد و آن این که لاله از اجزا و نرگس از آثار او است. بدون توجه به تشبیه مضموم وجود در ژرف ساخت، تفضیل اراده نمی شود.

در ابیات زیر حافظ به کمک اسناد مجازی، تفضیل مشبه بر مشبه به را ادعا و جابه جایی طرفین تشبیه را پیشنهاد می کند. سراغ زیباترین، لطیف ترین و رندانه ترین گونه های تفضیل و عکس را باید در غزلیات حافظ جست. با این که همیشه در شعر حافظ نرگس استعاره مصرحه از چشم یار است اما او نیز در ترجیح و تفضیل چشم یار بر نرگس تأکید می کند. گاه نیز غزلی را به بیان تفضیل چشم یار بر نرگس اختصاص داده

است. درستت شعری چشم به نرگس تشبیه شده است باوجه شبه مستی، عشووه گری و خماری، اما به ادعای حافظ:

شوخی نرگس نگر که پیش تو بشکفت چشم دریده ادب نگاه ندارد
(دیوان/غزل ۱۲۷)

گشت بیمار که چون چشم تو گردد نرگس شیوه تو نشدش حاصل و بیمار بماند
(دیوان /غزل ۱۷۸)

به یک کرشمه که نرگس به خود فروشی کرد فریب چشم تو صد فتنه در جهان انداخت
(دیوان/غزل ۱۶)

نرگس طلبد شیوه چشم تو ز می چشم مسکین خیرش از سرو در دیده حیا نیست
(دیوان/غزل ۶۹)

تشبیه جمع و تسویه

در تشبیه جمع و تسویه نیز، وجه شبه شایسته توجه است و ارزش و اهمیت بسیار دارد. اما در کتب بلاغی آن گاه که از تشبیه جمع یا تسویه سخن می گویند، اکثراً به صورت تشبیه می کنند و از کنار وجه شبه بی تفاوت می گذرند.

استاد علامه همایی در تعریف تشبیه جمع می گویند: آن است که یک چیز را به چند چیز مانند کرده باشند. چنان که در تشبیه هلال تا ۷۰ تشبیه در قصاید فارسی و عربی آورده اند، سپس دو بیت زیر را به عنوان شاهد نقل می کند:

ای ماه چو ابروان یاری گویی یا همچو کمان شهر یاری گویی
نعلی زده از زر عیاری گویی بر گوش سپهر گوشواری گویی

(معانی و بیان / ص ۱۵۶)

علامه همایی قیدی رادویانی را - که حتماً یکی از شبهه ها، یک صفت از صفات خود شاعر باشد (رکذ: ترجمان البلاغه / ص ۵۳ و ص ۱۵ همین مقاله) - ذکر نمی کند. همچنین از وحدت و یکسانی وجه شبه نیز یاد نمی کند. آنچه در این باب از کتاب علامه بر می آید، آن است که در شواهد شعری او ذیل تشبیهات جمع، وجه شبه تمام تشبیهات جمع، واحد و ثابت است، یعنی همان چیزی که نگارنده ادعای آن را دارد.

ذکر این نکته ضروری است که وجه شبه می تواند مفرد یا متعدد باشد یعنی یک چیزی می تواند در یک معنی یا چند معنی (وجه شبه) به یک یا چند چیز مانند شود، اما اگر یک چیز به چند چیز مانند شود و نسبت به هر شبهه وجه شبهی متفاوت داشته باشد، ماهیتاً آن تشبیه، تشبیه جمع نیست. مثلاً در مثال فوق از کتاب علامه همایی، ماه یک بار به ابروان یار، دیگر بار به کمان شهر یار، سپس به نعل زرین و بالاخره به گوشوار مانند

شده است و وجه شبه آن گردی است. در تشبیه میرعلی پورتکین، شمع به عاشق تشبیه شده اما از چند جهت، چند معنا و چند وجه شبه:

به پنج حال به عاشق همی بماند شمع که برش مردم هر پنج را بگیر شمار
به گونه و به سرشک و گداز و سوزش دل بسان عاشق تا روز هر شبی بیدار

برای این تشبیه در کتب بلاغی نامی ذکر نشده است (معانی و بیان علامه همایی / ص ۱۶۳) اما آنچه از این شاهد و بی نامی این تشبیه بر می آید، آن است که اگر در تشبیه چیزی به چیزی، چند وجه شبه در نظر شاعر باشد و یا در تشبیه یک چیز به چند چیز وجه شبه‌های متعدد در نظر باشد، آن تشبیه، تشبیه جمع نیست. استاد شمیسا نیز از این نکته سخن نگفته است و شاهد مثالی که برای تشبیه جمع می آورد، - از این نظر که دارای چند وجه شبه متفاوت است - تشبیه جمع نیست و آنچه در ایجاد تشبیه جمع در نظر وی بوده همان شکل و فرم تشبیه است و مقوله‌ی فوق را ذیل انواع تشبیه از نظر شکل قرار می دهد. در مثالی که وی ذکر می کند چند وجه شبه وجود دارد، اما صورت تشبیه، صورت و شکل تشبیه جمع است:

من اگر خارم اگر گل چمن آرایی هست که به هر شیوه که می پروردم می رویم
تشبیه «من» به «گل» به وجهی است و تشبیه آن به «خار» از وجهی دیگر است.

(بیان و معانی / دکتر شمیسا / ص ۴۸)

یکی از مهمترین اهداف تشبیه جمع (مانند کردن یک چیز به چند چیز) تصریح در تشبیه و تعریف مشبه است. و تصریح و تعریف دقیق گاه در گروهی وجه شبه ثابت و واحد است.

در تشبیه تسویه نیز به وحدت و ثبات وجه شبه اشاره نرفته است. در تعریف و تحلیل، آن را عکس تشبیه جمع می خوانند، به این معنا که برای چند مشبه یک مشبه به می آورند. یعنی چند مشبه را به لحاظ حکمی (وجه شبه) یکسان و مساوی در نظر می گیرند. (بیان و معانی دکتر شمیسا / ص ۴۸)

مثالی که دکتر شمیسا برای تشبیه تسویه ذکر می کند، این است:

نقش خورنق است همه باغ و بوستان فرش ستبرق است همه دشت و کوهسار

(عمیق)

این مثال مصداق و شاهد درستی برای تشبیه تسویه است زیرا باغ و بوستان از جهت حکمی واحد (وجه شبه) به نقش خورنق و دشت و کوهسار نیز از همان منظر (وجه شبه) به فرش ستبرق تشبیه شده‌اند. دکتر شمیسا تشبیه جمع را عکس تشبیه تسویه می خواند اما در مثالی که برای تشبیه جمع ذکر می کند، به وجود حکم واحد (وجه شبه) در تشبیه جمع اشاره نمی کند و شاهد مثالی را که برای تشبیه جمع نقل می کند، دو حکم متفاوت (وجه شبه) دارد.

علامه همایی تشبیه تسویه را به پیروی از ترجمان البلاغه تشبیه «مزدوج» می خواند و در تعریف آن می گوید: و آن این است که مشبه متعدد و مشبه به یکی باشد یعنی چند چیز را به یک چیز مانند کنند و بیت زیر را به عنوان شاهد یاد می کند:

روزگار من و زلف تو سیه همچو شب است لب جان بخش تو و گفته من چون رطب است

(معانی و بیان / ص ۱۵۵)

رادویانی در تعریف تشبیه تسویه که آن را "تشبیه مزدوج" می نامد و می گوید: «چون شاعر یک صفت از صفات خویش و یک صفت از صفات مقصودش را به هم کند و به یک چیز قیاس کند، اندر یک بیت، آن را از جمله بدیع صنعت شمرند. و بر این حال بیشتر غزل آید» و سپس شعر منصور منطقی را به عنوان شاهد نقل می کند:

یک لفظ ماند از دل من و ز دهان تو یک موی ناپد از تن من و ز میان تو

(ترجمان البلاغه / ص ۵۳)

رادویانی قیدی را برای تشبیه تسویه ذکر می کند و آن این که یکی از «مشبه‌ها» صفتی از صفات شاعر باشد و به احتمال قوی این قید برگرفته از تنها شاهدهی بوده که رادویانی در اختیار داشته است.

نتیجه

دست آورد این پژوهش این است که در تقسیم و بررسی تشبیه از لحاظ فرم یا شکل لازم است که به رکن اسامی تشبیه یعنی وجه شبه و تاریخ و تحول تشبیه نیز عنایت داشت. زیرا اگر وجه شبه در تشبیه عکس با وجه شبه پیش از عکس متفاوت باشد، فرض از تشبیه عکس که نو کردن تصویر و ایجاد افراق است، حاصل نمی شود.

نکته مهم در دریافت و پذیرش اغلب تشبیهات عکس و تفضیلی که در این مقاله ذکر شده اند آن است که غالب تشبیهات عکس و تفضیل با تشبیه مضمومی که در ژرف ساخت دارند قابل توجیه و تحلیل هستند. همچنین تشبیه معکوس محدود به یک نوع خاص فرمی و شکلی نیست. نوع دیگر از تشبیه عکس تنها با بررسی و شناخت پشینه ی تشبیه امکان پذیر است و آنچه توجه به تاریخ و درک تحول تشبیه را ایجاب می کند، عدم حضور طرفین تشبیه پیش از عکس است. در حالی که در تشبیه عکس شکلی یا فرمی این ضرورت احساس نمی شود.

دیگر این که هویت تشبیه تسویه و جمع نیز به وحدت و ثبات وجه شبه است و اگر وجه شبه متعدد و متفاوت شود، اصالت تشبیهات یاد شده آسیب می بیند.

فهرست منابع و مآخذ

- اسرار البلاغه، عبد القاهر جرجانی، به کوشش محمد فاضلی، چاپ دوم، صیدا بیروت، انتشارات عصریه، ۱۴۲۱ ق.
- المعجم فی معاییر اشعار عجم، تألیف شمس قیس رازی، تصحیح علامه محمد قزوینی، کتابفروشی تهران، بی تا.
- بیان و معانی، سیروس شمیسا، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸.
- تاریخ و تطور علوم بلاغت، شوقی ضیف، ترجمه محمد رضا ترکی، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- ترجمان البلاغه، تألیف محمد بن عمر رادویانی، به تصحیح احمد آتش، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲.
- دلائل الاعجاز، تألیف عبد القاهر جرجانی، ترجمه سید محمد رادمنش، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- دیوان انوری، به اهتمام پرویز بابایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۶.
- دیوان حافظ، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ چهارم، تهران، زوار، ۱۳۶۲.
- دیوان خاقانی، به تصحیح سید ضیاءالدین سجادی، چاپ چهارم، تهران، زوار، ۱۳۷۳.
- دیوان سنایی، به تصحیح مدرس رضوی، چاپ سوم، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۶۲.
- دیوان عطار، به اهتمام تقی تقضلی، چاپ سوم، تهران، علمی - فرهنگی، ۱۳۶۲.
- دیوان فرخی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، چاپ چهارم، تهران، زوار، ۱۳۷۱.
- شاهنامه فردوسی، به تصحیح ژول مل، چاپ اول، تهران، نشر نغمه، ۱۳۷۷.
- شرح مختصر المعانی (آیین بلاغت)، احمد امین شیرازی، چاپ چهارم، تهران، فروغ قرآن، ۱۳۷۷.
- سرور خیال در شعر فارسی، محمد رضا شهبهی کدکنی، چاپ سوم، تهران، آگاه، ۱۳۶۶.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال الدین همایی، چاپ چهارم، تهران، نشر هما، ۱۳۶۷.
- غزلیات سعدی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ ششم، تهران، نشر مهتاب، ۱۳۷۲.
- کلیات سعید زکاتالی، به اهتمام پرویز اتابکی، چاپ دوم، تهران، زوار، ۱۳۴۳.
- گزیده اشعار رودکی، به سعی خلیل خطیب رهبر، چاپ پنجم، تهران، سعید نو، ۱۳۶۹.
- معانی و بیان، تألیف جلیل تجلیل، چاپ هشتم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
- معانی و بیان، تألیف علامه همایی، چاپ اول، تهران، نشر هما، ۱۳۷۰.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.